



## شروع دور جدید اعتراضات پرستاران



با نزدیک شدن به ۱۷ آبان - روز پرستار در ایران\* - به دلیل پایان یافتن مهلتی که پرستاران و کادر درمانی بیمارستان های کشور برای تحقق خواست هایشان به دولت داده بودند، از آنجا که تا کنون کمترین پاسخی به مطالبات شفاف و برحقشان داده نشده است، دور جدیدی از اعتراضات پرستاران در پاره ای از شهرهای کشور آغاز شده است.

پرستاران بیمارستان های مشهد که در اعتصاب در صفحه ۳

## بودجه نظامی، بودجه جنگ افروزیست!

روز سه شنبه هشم آبان ۱۴۰۳ کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ با ۱۴۶ رأی موافق از مجموع ۲۴۹ رأی مأخوذه در مجلس ارتجاع به تصویب رسید. (۹۶ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع بود).

یکی از مختصات بارز بودجه سال ۱۴۰۴ افزایش قابل توجه بودجه نظامی است. مسعود پزشکیان پیش از آن از ضرورت " تقویت بنیه دفاعی کشور " سخن گفته بود. فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت نیز پس از تصویب کلیات لایحه بودجه، در جمع خبرنگاران افزایش ۲۰۰ درصدی بودجه نظامی را اعلام کرد. وی گفت: "اهتمام بر این بوده است که نیازمندی های دفاعی کشور برطرف شود و توجه ویژه ای به این موضوع شده است، از این رو افزایش قابل توجه بالغ بر ۲۰۰ درصدی را در بودجه نظامی کشور شاهد بودیم".

بودجه نظامی سال ۱۴۰۴ در حالی نسبت به بودجه نظامی سال جاری سه برابر و نسبت به بودجه نظامی ۱۴۰۱ چندین برابر افزایش یافته که برای نمونه از بودجه اختصاصی به کالاهای اساسی ۳ میلیارد دلار کاسته شده، سهم ۱۳ / ۱ درصدی آموزش و پرورش از بودجه دولت در سال ۱۴۰۱ در بودجه سال ۱۴۰۴ به ۹ / ۸ درصد کاهش یافته است. نرخ ارز ترجیحی نیز از ۲۸۵۰۰ تومان به ۳۷ هزار تومان افزایش داده شده است که معنایش افزایش ۳۰ درصدی قیمت هاست.

صرف نظر از موارد مشخص تر یا جزئیات بودجه از نمونه منابع درآمدی پیش بینی شده که به تجربه ثابت شده بطور کامل محقق نمی شود و کسری بودجه قطعی است و صرف نظر از هزینه های پیش بینی شده در بودجه که باز بنا به تجربه، چنین هزینه هایی بیشتر از ارقام ذکر شده است، اما همین دو نکته یعنی افزایش ۲۰۰ درصدی بودجه نظامی و نحوه برخورد و تنظیم بودجه با مواردی که به زندگی و معیشت مردم ارتباط پیدا می کند و به نمونه هایی از آن اشاره شد، نشان دهنده این واقعیت است که در تنظیم بودجه و بودجه نویسی کسی در فکر مردم زنگی مردم، آموزش و بهداشت و رفاه مردم نیست. بودجه که باز تقسیم ارزشهای آفریده شده توسط طبقه کارگر است به نحوی تنظیم می شود که در این باز تقسیم حتی تا حد ممکن چیزی نصیب کارگران و توده زحمتکش مردم نشود، بلکه درست بدانجا اختصاص یابد و در آنجا هزینه

در صفحه ۲

## انقلاب، بدیل جنگ

در صفحه ۴

## ادامه بحران خاورمیانه و لفاظی های جمهوری اسلامی

پیچرها در ۱۷ سپتامبر) تاکنون نزدیک به ۳ هزار نفر کشته، بیش از ۱۳ هزار نفر زخمی و بیش از یک میلیون و دویست هزار نفر آواره شده اند.

در این میان تمام تلاش ها برای برقراری آتش بس در غزه و لبنان به صخره های سخت خورده است. دولت اسرائیل با توجه به این که برگ برنده را در جدال با جمهوری اسلامی در دست های خود دارد، هر بار با طرح خواست هایی جدید،

در صفحه ۶

بیش از یک سال از آغاز نسل کشی ارتش صهیونیستی اسرائیل، به پهنای عملیات حماقت آمیز و جنایتکارانه ی حماس، در غزه می گذرد. مقامات اسرائیل در ابتدا وعده می دادند که حداکثر سه تا چهار ماه تهاجم ارتش اسرائیل در غزه طول خواهد کشید، اما با گذشت ۱۳ ماه نه تنها هیچ چشم اندازی برای پایان نسل کشی در غزه وجود ندارد، بلکه دامنه ی جنگ به شکلی گسترده به لبنان کشیده شده است. در پی حملات ارتش اسرائیل به لبنان (به ویژه پس از انفجار

## قطع عضو، قانونی بازمانده از دوران جاهلیت

نظامی رژیم و وابستگانشان به وفور یافت می شوند، در بسا موارد از هر گونه مجازات مصون اند.

جمهوری اسلامی، احکام قطع عضو را "قصاص عضو" می نامد و چنین می نمایاند که این احکام فجیع، از عوامل "بازدارنده" ی جرم هستند، اما واقعیت خلاف این ادعا را به اثبات می رساند. طبق گزارش ها و آمارهای رسمی، همراه با افزایش فقر و تورم در میان توده های مردم، میزان سرقت در جامعه در سال های اخیر

روز سه شنبه ۸ آبان بار دیگر قطع چهار انگشت دست راست دو برادر در ارومیه، به اتهام سرقت، خیرساز شد. این حکم در حالی به اجرا درآمد که یکی از این دو برادر در سال گذشته در نامه ای به مدیر دادگستری ارومیه، علت سرقت را فقر و بیماری فرزند و نیاز شدید مالی ذکر کرده بود. این اولین باری نیست که جمهوری اسلامی احکامی چنین فجیع و دردناک را در مورد خرده سارقانی به اجرا درمی آورد که به علت نیاز مالی و فقر اقدام به سرقت می کنند. در برابر، سارقان کلان که در میان سران سیاسی -

در صفحه ۱۰

## بودجه نظامی، بودجه جنگ افروزیست!

شود که اهداف و منافع قدرتمندان و طبقه حاکم ایجاب می‌کند.

در بودجه سال ۱۴۰۴ سهم نیروهای مسلح از درآمد صادرات نفت و گاز و میعانات گازی که قبلاً یعنی در بودجه سال جاری ۴۷ درصد بود، به ۵۱ درصد افزایش یافته است. ماجرا از این قرار است که تقسیم درآمدهای نفتی تا کنون بدین شکل بوده که ۴۸ درصد آن سهم "صندوق توسعه ملی" می‌شده که در اختیار شخص خامنه‌ای است. ۱۴ / ۵ درصد آن، سهم شرکت ملی نفت و ۵ / ۳۷ درصد سهم دولت بوده است. در بودجه سال ۱۴۰۴ از ۵ / ۳۷ درصد سهم دولت، ۵۱ درصد، سهم نیروهای مسلح شده است. به عبارت دقیق‌تر از ۱۱۹۶ هزار میلیارد تومان (همت) سهم دولت از درآمد صادرات نفت و گاز و میعانات گازی، ۵۶۱ همت سهم نیروهای مسلح و ۵۰۹ همت به دولت اختصاص دارد. ۱۲۶ همت باقی‌مانده نیز قرار است صرف " طرح های خاص" ! " نهادها" شود!

در همین رابطه و مطابق پیش‌بینی لایحه بودجه، روزانه یک میلیون و ۶۵۰ هزار بشکه نفت صادر خواهد شد که ۴۲۰ هزار بشکه آن، به عنوان سهم نیروهای مسلح در نظر گرفته شده است. یعنی چیزی حدود ۲۴ درصد! و به تقریب اینکه از هر چهار بشکه نفت، یک بشکه به حلقوم نیروهای مسلح و عمدتاً سپاه ریخته می‌شود. از نظر ارزش یورویی، نفتی که در اختیار نیروهای مسلح قرار می‌گیرد، بالغ بر ۱۱ میلیارد یورو است. این رقم در بودجه سال جاری (۱۴۰۳) حدود ۴ میلیارد یورو است. بدین ترتیب مشاهده می‌کنیم پولی که در بودجه سال ۱۴۰۴ از محل فروش و درآمد نفت در اختیار نیروهای مسلح قرار می‌گیرد، نسبت به سال جاری ۲۷۵ درصد افزایش یافته است.

ناگفته نماند که سهمیه نفتی که در بودجه سال آینده به نیروهای مسلح اختصاص یافته عمدتاً تحویل سپاه پاسداران می‌شود و سپاه، از کانال های گوناگون از جمله از طریق قاچاق، نفت را به هر شکل که می‌خواهد به پول تبدیل می‌کند.

افزون بر همه این‌ها در بودجه سال ۱۴۰۴ تصریح شده است که ۲۸ درصد از سهمیه "صندوق توسعه ملی" از محل درآمد نفت نیز به عنوان فرض در اختیار دولت قرار می‌گیرد. دولت نیز در اینکه هر مقدار آن را که بخواهد صرف نیروهای مسلح کند یا به فرض در اختیار سپاه قدس و امثال آن قرار دهد، چندان محدودیتی ندارد. پیش از این نیز شاهد بوده ایم که حتی بعد از تصویب بودجه، هر زمان که نظام و رهبر آن اراده کرده اند، مبالغ کلانی چه از محل " صندوق توسعه ملی" چه از محل اختصاص نفت و درآمد ناشی از آن، در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفته است.

باید در نظر داشت که بودجه نظامی که در لایحه گنجانده شده و در مجلس به تصویب رسیده است، تنها بخش رسمی و علنی بودجه است. بخش مهم دیگر، بودجه های محرمانه است که مستقل از ارقام اعلام شده در بودجه، صرف دستگاه نظامی و نیروهای مسلح می‌شود که در جایی

منعکس نمی‌شود.

این واقعیت بر کسی پوشیده نیست که دولت های ارتجاعی و جنگ افروز، به ویژه زمانی که در جنگ یا تدارک جنگ هستند، بخش زیادی از بودجه را صرف جنگ و تجهیزات جنگی و نظامی می‌کنند. دولت جمهوری اسلامی در زمره دولت هایی است که به خاطر پیشبرد اهداف و سیاستهای پان اسلامیتی و مداخله جویانه خود از همان اول به قدرت رسیدنش با برخی از دولت های ارتجاعی دیگر وارد نزاع و درگیری نظامی و حتی جنگ تمام عیار (جنگ جمهوری اسلامی و رژیم صدام حسین) شده است. تشدید بحران در منطقه خاورمیانه، گسترش درگیریهای نظامی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی با دولت صهیونیست و نژاد پرست اسرائیل، صرف نظر از رونق بخشیدن کم سابقه به بازار پرسود صاحبان کارخانه های سازنده و فروشندگان تسلیحات نظامی و تجهیزات گوناگون جنگی، فشار بر دوش مردم منطقه و کشورهای خریدار سلاح های جنگی را تشدید نموده است.

با تشدید تنش و درگیریهای نظامی اسرائیل و جمهوری اسلامی، هردو دولت می‌کوشند قدرت نظامی خود را افزایش داده و به تجهیزات گوناگون جنگی مجهز شوند. تا آنجا که به دولت فاشیستی اسرائیل برمی‌گردد، این دولت صرف نظر از مبالغ کلانی که صرف بودجه نظامی می‌کند، اما همواره مورد حمایت همه جانبه قدرتهای امپریالیستی به ویژه دولت آمریکا قرار داشته است. در جریان درگیریهای نظامی اخیر منطقه و تجاوز ارتش اشغالگر اسرائیل به غزه و لبنان نیز همه گونه بمب و تانک و هواپیمای جنگنده و اقسام تسلیحات پیشرفته در اختیار آن قرار داده شده است. به یک معنا بخش‌هایی از سودهای انحصارات امپریالیستی و غارت سرمایه جهانی به ویژه انحصارات امریکایی صرف کمک به دولت نژاد پرست اسرائیل و کشتار مردم بی‌دفاع غزه و لبنان شده است.

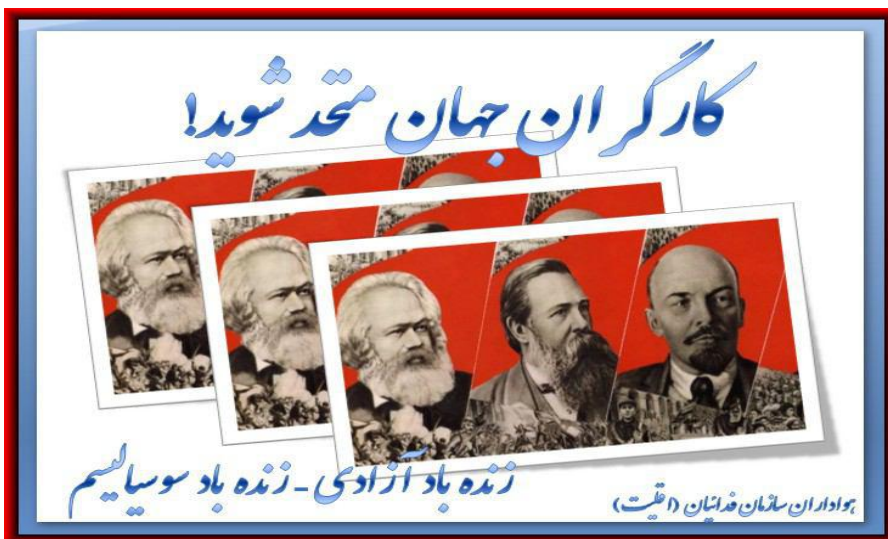
در رژیم ارتجاعی و پان اسلامیت جمهوری

اسلامی اما تمام بار میلیتاریسم و نظامی گری مستقیماً بر دوش مردم ایران قرار دارد. جمهوری اسلامی هر سال بودجه نظامی خود را افزایش داده و این بار که مجموعه سیاستهای ارتجاع اسلامی و ارتجاع صهیونیستی به تشدید درگیریها نظامی منجر شده و بحران در کل منطقه را حثت بخشیده است، برای افزایش ۲۰۰ درصدی بودجه نظامی بار دیگر دست در جیب مردم می‌برد و فشار برگرد مردم زحمتکش را افزایش می‌دهد.

بودجه سال ۱۴۰۴ در اساس یک بودجه جنگی است. بوی جنگ طلبی و ادامه سیاستهای پان اسلامیتی و ارتجاعی از همه جای آن به مشام می‌رسد. بودجه نظامی را چه کسانی باید تأمین کنند؟ کارگران و زحمتکشان. هزینه موشک‌های رنگارنگ و تجهیزات جنگی را چه کسانی باید بپردازند؟ بازم کارگران و زحمتکشان و توده های زحمتکش مردم ایران. مردم این هزینه ها را چگونه خواهند پرداخت و دولت چگونه آن را بر گرده کارگران و زحمتکشان خواهد انداخت؟ از طریق گران تر کردن کالاهای اساسی مورد نیاز مردم، از طریق گران تر شدن و دور از دسترس تر شدن خدمات اجتماعی، بهداشتی، آموزشی و پزشکی، افزایش قیمت بنزین و نان و برق و امثال آن. از طریق افزایش مالیات های مستقیم و غیر مستقیم، بالا رفتن نرخ ارز، چاپ اوراق قرضه و اسکناس های بدون پشتوانه، بالا رفتن نرخ تورم، کاهش ارزش پول و قدرت خرید و در یک کلام انداختن تمام بار هزینه، بر دوش مردم.

بودجه جنگی و جنگ افروزی در حالی به تصویب مجلس ارتجاع رسیده است که مردم زحمتکش ایران از جنگ و کشتار، از خرابی و ویرانی به شدت متنفر و با آن مخالف اند. سران رژیم پان اسلامیت حاکم و رژیم صهیونیستی اسرائیل مرتب علیه هم رجز خوانی و یکدیگر را به پاسخی قاطع و دندان شکن تهدید می‌کنند. خامنه ای و دار و دسته حامی و نزدیک وی، آمریکا و اسرائیل را به حمله دندان شکن تهدید می‌کند. نتانیاهوی فاشیست و جریان راست افراطی حاکم بر اسرائیل دنبال بهانه ای است که درگیریهای نظامی کنونی به مرحله ای بالاتر و گسترده تر تبدیل شود. بسیاری از جریان های بورژوازی اپوزیسیون طرفدار رژیم چنچ نیز

در صفحه ۸



## شروع دور جدید اعتراضات پرستاران



و اعتراضات مرداد و شهریور ماه سال جاری نقش پررنگی داشتند، روز اول آبان در اعتراض به بی توجهی مسئولان حکومتی نسبت به خواست هایشان، بیانیه ای هشدار آمیز صادر کردند. با گذشت یک هفته از صدور این بیانیه، از آنجا که کماکان دولت و وزارت بهداشت کمترین توجهی به مطالباتشان نداشته اند، آنان روز دوشنبه ۷ آبان، با اتخاذ تصمیمات جدید، شروع دور تازه ای از اعتصاب و اعتراضات را اعلام کردند.

پرستاران مشهد در گام نخست با اعلام اینکه در هیچیک از مراسم ها و جشن های حکومتی مربوط به روز پرستار شرکت نخواهند کرد، توقف انجام یک سری از وظایف و اقدامات روزانه خود را به مسئولان دولتی یادآور شدند. تحریم کامل اعتباربخشی بیمارستان ها و عدم مشارکت در امور اعتباربخشی تا اعلام بعدی، عدم ثبت کلیه موارد دارویی و درمانی در سیستم HIS و سامانه سپید، عدم انجام آزمایشات غیر اورژانسی، عدم تکمیل فرم های غیر مصوب وزارت؛ از قبیل فرم های آنتی بیوتیک، آلومین و غیره از جمله مواردی هستند که پرستاران بیمارستان های مشهد برای شروع دور تازه اعتراضات خود بر آنها تأکید کرده اند. آنان در فراز دیگری از بیانیه خود بر همدلی و

پرستاران و کارکنان فوریت های پزشکی بیمارستان های مشهد - که تعدادشان پر شمار بود - با بلندکردن انبوه دست نوشته های مطالباتی خود، همراه با سر دادن شعارهایی نظیر «سفره ما خالی، وعده وعید کافیه»، «تورم دلاری، حقوق ما ریالی»، بر فرسودگی ناوگان اورژانس هم تأکید داشتند که تا کنون باعث کشته شدن بیماران زیادی شده است. علاوه بر پرستاران مشهد، پرستاران چندین بیمارستان در شهرهای بزد و فسا نیز در روز شنبه اقدام به برگزاری تجمعات اعتراضی کردند. اعتراضاتی که به دلیل بی توجهی دولت در پاسخگویی به مطالباتشان قرار است در روز پنج شنبه ۱۷ آبان به اعتصاب سراسری پرستاران و کادر درمانی بیمارستان های مختلف کشور منجر گردد.

آنچه این روزها در جامعه پرستاری و کادر درمانی می گذرد، ادامه روند اعتراضی سال های دور و دراز این بخش از نیروهای زحمتکش جامعه است که در ماه های مرداد و شهریور امسال به انجام یک سری اعتراضات و اعتصابات سراسری در کشور انجامید. اعتصابات که فصل نوینی را در تاریخ مبارزات این بخش از طبقه کارگر گشود و تأثیرات مهم و مثبتی را نه فقط بر مجموعه پرستاران و کادر درمانی کشور به لحاظ انتخاب راه های مؤثر پیگیری مطالباتشان برجای نهاد، بلکه تأثیرات مثبت و شگرفی هم بر مبارزات سایر نیروهای کار و زحمت گذاشت. تا جاییکه شکل گیری اعتصابات سراسری پرستاران یک همدلی و همگرایی شوق انگیزی را در میان سایر کارگران و زحمتکشان تقویت کرد.

اعتراض و اعتصاب سراسری پرستاران در مرداد و شهریور سال جاری، به دلیل گستردگی و سراسری بودن آن به انحاء مختلف مورد استقبال و حمایت سایر کارگران و زحمتکشان قرار گرفت. معلمان، بازنشستگان، تشکل های مختلف کارگری و دیگر لایه های اجتماعی، در گستره ای وسیع از اعتصاب سراسری پرستاران که به نوعی راهنمای عمل شکل گیری یک اعتصاب عمومی سیاسی در جامعه بود، ابراز شادمانی کردند.

اما مقامات دولتی که از وضعیت پیش آمده نگران و برآشفته شده بودند، با سر و صدای تبلیغاتی و بکارگیری همزمان سرکوب و دادن امیدهای واهی، با دستپاچگی رسیدگی فوری به مشکلات پرستاران را وعده دادند. وعده های وزارت بهداشت اما همانند گذشته پوچ و توخالی از آب درآمد و با گذشت سه هفته از اعتصاب، تنها پاسخی که به انبوه مطالبات پرستاران و کادر درمانی داده شد، واریز کردن یک میلیون و ششصد هزار تومان به حساب هر پرستار بود. مبلغی ناچیز که حتی کفاف خرید دو کیلو گوشت آبگوشتی را هم نمی داد. امری که نشان داد در حاکمیت جمهوری اسلامی نه گوشی برای شنیدن

انبوه معضلات پرستاران وجود دارد و نه چشمی برای دیدن شرایط نابسامان معیشتی آنان. این اقدام تحقیر آمیز دولت، اگر چه با فوران خشم و اعتراض پرستاران اعتصابی در روزهای بعد مواجه شد، اما اعتصاب کنندگان در نهایت با دادن یک مهلت یک ماه و نیمه به کابینه پزشکین جهت پاسخگویی به انبوه مطالباتشان، موقتاً به اعتصابات سراسری خود پایان دادند.

اعتراض به شرایط سخت کاری، اجرای صحیح قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری مصوب سال ۱۳۸۶ که اجرای آن به مدت ۱۷ سال به تعویق افتاده، اجرای قانون فوق العاده خاص پرستاری، ارتقای بهره وری و قانون مشاغل سخت، اجرای لغو اضافه کاری اجباری و جبران کمبود نیروی کار از جمله مطالبات پرستاران و کادر درمانی بود که برای تحقق آن به یک رشته اعتصابات سراسری در تابستان امسال روی آوردند.

اکنون در پایان مهلت پرستاران اعتصابی به دولت، تنها اقدامی که از جانب وزارت بهداشت صورت گرفته، تصویب یا قول افزایش دستمزد اضافه کاری اجباری آنان از ۲۰ هزار تومان به ۶۰ تا ۱۰۰ هزار تومان در ساعت است، که آن هم دقیق و قطعی نیست. به رغم اینکه احمد نجابتیان - رئیس سازمان نظام پرستاری کشور - اعلام کرده که باید میزان اضافه کاری پرستاران حداقل به ۱۰۰ هزار تومان در ساعت برسد، اما پاره ای از نمایندگان مجلس ارتجاع و حتی افرادی از درون دولت از میزان ۶۰ هزار تومان در ساعت سخن گفته اند. آنچه را که احمد نجابتیان و پرستاران معترض و ناراضی بدان تأکید دارند، این است که افزایش ۱۰۰ هزار تومان اضافه کاری نیز به هیچ وجه تناسبی با میزان تورم و افسارگسیختگی گرانی در جامعه ندارد.

در این میان اما، آنچه از طرف دولت و وزارت بهداشت عامدانه به فراموشی سپرده شده است، همانا انبوه مطالبات پرستاران و کادر درمانی است که آنان را برای تغییر و دگرگونی این وضعیت مرگبار به سمت انجام یک رشته از اعتصابات سراسری کشانید. و حالا وزارت بهداشت با تقلیل دادن انبوه مطالبات بر زمین مانده سال های دور و دراز آنان و تقلیل خواسته



هماهنگی کامل پرستاران تأکید کرده و در این باره نوشته اند: «تمام پرستاران بیمارستان های خصوصی، پرسنل محترم اورژانس پیش بیمارستانی، پرسنل محترم بهداشت و مامایی (بالین)، در این مسیر هماهنگ و همپای یکدیگر هستند و در صورت عدم رفع قوانین تبعیض آمیز و موانع خدمتی دیگر و عدم اعمال مطالبات به حق در فیش های حقوقی و تعرفه های پرستاری در بودجه سال بعد، در قدم های بعدی، طبق نظر کلیه پرستاران، تحریم های بهم پیوسته و مدونی اتفاق خواهد افتاد».

به دنبال صدور این بیانیه، روز شنبه ۱۲ آبان، تصاویری از تجمعات اعتراضی پرستاران و بخشی از پرسنل اورژانسی ۱۱۵ مشهد در ساختمان قریشی دانشگاه علوم پزشکی این شهر منتشر شد که حاکی از جدی بودن شکل گیری اعتراض و اعتصابات پرستاران این شهر در پایان مهلت داده شده به کابینه پزشکین است.

## انقلاب، بدیل جنگ

اهداف را تعقیب کرده‌اند که در ادامه خود به جنگ انجامیده است.

لنین یکی از برجسته‌ترین انقلابیون کمونیستی بود که در جریان یک مبارزه زنده و فعال بر سر مسئله ضرورت انقلاب کارگری در حین جنگ جهانی اول، در ده‌ها نوشته این نظریه را توضیح و بسط داد. نشان داد که در ارزیابی جنگ‌ها باید شرایط مشخص و تاریخی را مدنظر قرار داد. توضیحات مبسوطی در مورد ماهیت و خصلت طبقاتی جنگ‌ها، انواع مختلف جنگ‌های انقلابی و ارتجاعی، جنگ‌های دفاعی و تعرضی، چگونگی تبدیل جنگ‌ها به یکدیگر و موضوع‌گیری در قبال هر یک از آن‌ها و مراحل مقابله با جنگ را ارائه داد. تمرکز اصلی وی اما بر ماهیت ارتجاعی جنگ امپریالیستی و استفاده از بحران ناشی از این جنگ برای برپایی انقلاب‌های کارگری، تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی در کشورهای اروپایی بود. او تأکید داشت که در جریان یک جنگ ارتجاعی، طبقه انقلابی نمی‌تواند خواستی جز شکست دولت خودی داشته باشد. لنین جریاناتی را که به‌جای فراخواندن کارگران به انقلاب و سرنگونی دولت خودی، به‌سازش با بورژوازی روی آوردند و به ورطه شوونیسم در غلتیدند افشا و رسوا کرد و با پایبندی به همین نظرات انقلابی بود که در برپایی انقلاب کارگری در روسیه به‌عنوان رهبر پرولتاریای انقلابی، نقش برجسته‌ای ایفا کرد.

لنین در یکی از آثار برجسته خود "جنگ و انقلاب" نوشت: "جنگ ادامه سیاست با وسایل دیگر است. تمام جنگ‌ها از نظام‌های سیاسی که آن‌ها را پدید می‌آورند جدائی‌ناپذیرند. سیاستی که یک دولت معین، یک طبقه معین در درون آن دولت، پیش از جنگ برای مدتی طولانی اعمال می‌کند، ضرورتاً توسط همان طبقه در حین جنگ ادامه می‌یابد. تنها شکل عمل تغییر می‌کند."

این برداشت از جنگ مغایر با برداشت عامیانه و سطحی کسانی است که ظاهر قضیه را می‌بینند و در پی آن هستند که کدام طرف زودتر شلیک کرده، آیا جایی را اشغال کرده یا نه و درگیری‌ها به کجا رسیده است. لنین در اثر دیگری نوشت: "باید قیل از جنگ سیاستی را که به جنگ منجر می‌شود بررسی کرد" شخص عامی نمی‌فهمد که "جنگ ادامه سیاست است" از این رو قناعت می‌کند به این‌که بگوید "دشمن حمله کرده" "دشمن کشور مرا اشغال کرده" بی‌آنکه از خود بپرسد جنگ به چه منظور انجام می‌شود، کدام طبقات و برای رسیدن به کدام هدف سیاسی آن را انجام می‌دهند" (کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره "اکنونیسم امپریالیستی")

حال با این تعریف از نحوه ارزیابی ماهیت و خصلت هر جنگ و موضوع‌گیری در قبال آن، فرض کنید که احتمال وقوع یک جنگ همه‌جانبه میان جمهوری اسلامی با دولت‌های اسرائیل و آمریکا وجود دارد یا هم‌اکنون آغاز شده است. باز هم فرض کنید که آغازگر جنگ هم آمریکا و اسرائیل باشند و به‌قول معروف، تیر اول را هم آن‌ها شلیک کرده باشند، ما کمونیست‌ها و کارگران چه موضعی باید در قبال آن اتخاذ کنیم و شعار و تاکتیک ما چه خواهد بود.

بحران خاورمیانه که بر کوهی از تضادهای حل‌نشده در حال انفجار شکل گرفته، به مرحله خطرناکی از درگیری‌های نظامی رسیده است و بیم آن می‌رود شعله‌های جنگ سراسر منطقه را به آتش بکشد. تضادهای غیرقابل‌حل میان برخی دولت‌های منطقه، این احتمال را پیوسته افزایش داده است که دامنه جنگ کنونی که هم‌اکنون میان رژیم اسرائیل و نیابتی‌های جمهوری اسلامی در جریان است، از محدوده کنونی فراتر رود و دولت‌های دیگر منطقه را به گرداب این جنگ بکشاند. در خط مقدم یک چنین جنگی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است. گرچه با توجه به تلاش قدرت‌های امپریالیست برای جلوگیری از برهم خوردن ثبات کلی منطقه و نیز خطری که جمهوری اسلامی به علت ضعف داخلی برای درگیری همه‌جانبه احساس می‌کند، احتمال ورود مستقیم آن به چنین جنگی بسیار ضعیف است، اما با توجه به تضادهای منطقه و نتایج نامعلوم انتخابات آمریکا، ممکن است جمهوری اسلامی در چنان مخصصه‌ای قرار گیرد که ناخواسته وارد جنگی همه‌جانبه شود. بنابراین، از هم‌اکنون تلاش کرده است که علاوه بر عامل تشدید سرکوب و اختناق که نتیجه فوری هر جنگ ارتجاعی و تدارک آن است، از روش‌های مختلفی برای تأثیر گذاشتن بر مردم از جمله تحریک احساسات ناسیونالیستی استفاده کند تا چنانچه بتواند حتی جبهه مخالفان رژیم را به نفع خود تحت تأثیر قرار دهد. به‌رغم این‌که اکثریت بزرگ مردم ایران که جنگ فاجعه‌بار دولت‌های ایران و عراق را تجربه کرده‌اند و ماهیت جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن را به‌خوبی می‌شناسند، فریب تلاش‌های مزدبوهانه رژیم را نخواهند خورد، اما نمی‌توان اثرات مخرب این تلاش‌ها را نادیده گرفت. چنانچه در همین هفته‌های اخیر دیده‌ام درحالی‌که هنوز جنگی آغاز نشده است، برخی افراد و گرایش‌ها، ولو ناآگاهانه به دام سیاست‌های ارتجاعی رژیم گرفتار آمده و مستقیم و غیرمستقیم به جانبداری از رژیم و سیاست‌های ارتجاعی و جنگ‌طلبانه آن روی آورده‌اند. تحت این شرایط، ضروری است که کمونیست‌های ایران این تلاش‌های ارتجاعی رژیم را خنثی کنند و موضع صحیح برخورد با مسئله جنگ را به توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران که نفعی در یک چنین جنگی ندارند، توضیح دهند.

هر انسان سیاسی فهمیده و آگاه باید به این جمع‌بندی کلاوزویتس، نظریه‌پرداز برجسته جنگ که از مطالعه جنگ‌های ناپلئونی نتیجه‌گیری‌های عمیق سیاسی و فلسفی به عمل آورد و گفت: جنگ، ادامه سیاست است به طریق دیگر، باور داشته باشد. این گفتار به چه معناست؟ به این معناست که جنگ‌ها در یک‌لحظه از آسمان نازل نمی‌شوند. مقدمات آن‌ها از پیش در سیاست و از طریق سیاست فراهم شده و تحت شرایط معین در ادامه همان سیاست، رخ می‌دهند.

لذا برای بررسی یک جنگ و برداشت و تبیین صحیح از آن، باید مقدم بر هر چیز به سیاست پرداخت. این موضوع را بررسی کرد که کدام طبقات و دولت‌ها در این جنگ حضور دارند، سیاستی را که پیش از جنگ در عرصه داخلی و خارجی اعمال کرده‌اند چه بوده است؟ و کدام

ماهیت و اهداف امپریالیسم آمریکا برای ما روشن است. امپریالیسم آمریکا مثل هر قدرت امپریالیست دیگر یک نیروی ارتجاعی تجاوزکار و توسعه‌طلب است که جنایات بی‌شماری هم به‌ویژه از اوایل قرن بیستم تا به امروز در برافروختن جنگ‌ها و کشتارهای وحشیانه داشته است. در کنار آن، رژیم ارتجاعی نژادپرست و توسعه‌طلب اسرائیل قرار دارد که در همین لحظه با وحشی‌گری‌اش علیه مردم فلسطین به رسواترین رژیم در سراسر جهان تبدیل شده است. بنابراین، تکلیف با یک‌طرف جنگ روشن است. جنگ آن‌ها یک جنگ ارتجاعی و برخلاف منافع مردم ایران است. طرف دیگر جنگ چه؟ در طرف دیگر جمهوری اسلامی قرار گرفته است که حالا قرار است وارد جنگ شود یا شده است. نخستین سؤال این است که جمهوری اسلامی نماینده کدام طبقه است؟ در ایران شیوه تولید سرمایه‌داری مسلط است و طبقه حاکم هم، طبقه سرمایه‌دار. این طبقه که در تمام دوران موجودیتش در ایران، هیچ‌گاه نقشی مترقی و انقلابی نداشته، خصلت ارتجاعی و انگل‌صفتی‌اش را در دوران جمهوری اسلامی به نهایت رسانده است. در سراسر دورانی که جمهوری اسلامی بر ایران حاکم بوده وحشیانه‌ترین ستم و استثمار را علیه طبقه کارگر معمول ساخته و درحالی‌که ثروت‌های افسانه‌ای اندوخته، طبقه کارگر محروم از ابتدایی‌ترین حقوق را به منتهای فقر و بدبختی سوق داده است. این طبقه وظیفه‌ای جز استثمار و غارت و چپاول ثروت‌های کشور نداشته و ندارد و متجاوز از ۸۰ درصد مردم ایران را به اعماق فقر، بدبختی و سیروزی سوق داده است. طبقه سرمایه‌دار حاکم بر ایران از آنجائی که یک طبقه به‌غایت ارتجاعی و زائد است، برای حفظ سلطه اقتصادی و سیاسی خود یک دستگاه دولتی شدیداً سرکوبگر و انگل را با یاری‌گرفتن از نهادهای مقررات ارتجاعی قرون‌وسطایی مذهبی سازمان داده که از طریق آن مردم را از ابتدائی‌ترین حقوق و آزادی‌های سیاسی محروم و به شیوه دیکتاتوری عریان، سرکوب‌های وحشتناک، کشتار، زندان و اختناق بر مردم ایران حکومت می‌کند و آن‌ها را به اسارت گرفته است. حتی در خاورمیانه‌ای که کانون ارتجاع و عقب‌ماندگی است و تمام رژیم‌های آن استبدادی و اغلب مذهبی، هیچ کشور و دولتی را نمی‌توان سراغ گرفت که به‌اندازه جمهوری اسلامی مردم کشور خودش را اعدام کرده باشد یا در خیابان‌ها به قتل رسانده باشد. نمی‌توان دولتی را در همین منطقه یافت که در تمام دوران حیاتش همچون ایران، صدها هزار تن از مردم ایران را به علل سیاسی در زندان‌های خود به بند کشیده باشد. هیچ رژیم‌ها در این منطقه نمی‌توان یافت که در فاصله چند هفته هزاران زندانی سیاسی را به دار کشیده باشد. هیچ رژیم‌ها نمی‌توان یافت که در طول چند روز صدها زن و مرد و حتی کودک کشور خودش را در خیابان‌ها به رگبار بسته باشد. این طبقه، جنگی را به مردم ایران تحمیل کرد که فقط تعداد کشته‌شدگان آن متجاوز از ۲۰۰ هزار تن از مردم ایران بود. این است ماهیت فوق ارتجاعی طبقه حاکم بر ایران و تمام سیاست‌های داخلی آن در سراسر دوران

## انقلاب، بدیل جنگ

موجودیتش. ارتجاع از سرتپای این طبقه می‌بارد. اما هر طبقه‌ای علاوه بر سیاست داخلی یک سیاست خارجی نیز دارد. سیاست خارجی چیزی جدا و مستقل از سیاست داخلی یک طبقه و یک دولت نیست، بلکه ادامه و بسط همان سیاست داخلی در خارج از مرزها و در مناسبات فراملی است. طبقه حاکم بر ایران همان سیاست داخلی ارتجاعی را که در دشمنی آشتی‌ناپذیر با کارگران و زحمتکشان، زنان و عموم مردم ستمدیده ایران خلاصه می‌شود، در خارج از کشور نیز ادامه داده است. از همان آغاز موجودیتش تلاش نمود ارتجاع اسلامی را در منطقه تقویت کند که در خدمت تمام ارتجاع منطقه‌ای و قدرت‌های امپریالیست بوده است. در همان حال تلاش نمود با سازمان‌دهی و مسلح کردن گروه‌های اسلام‌گرا در کشورهای دیگر منطقه، اهداف توسعه‌طلبانه خود را زیر پرچم پان‌اسلامیسم برای کسب هژمنی در منطقه پیش ببرد. برای تحقق این هدف، هم‌ساله میلیاردها دلار از حاصل دسترنج کارگران و زحمتکشان ایران را صرف سازمان‌دهی این گروه‌ها و افزایش قدرت نظامی خود کرده است. اولین نتیجه این سیاست خارجی توسعه‌طلبانه برای برپائی حکومت اسلامی در عراق، برپائی جنگی بود که ۸ سال به درازا کشید. در ادامه همین سیاست خارجی توسعه‌طلبانه، چیزی مانده بود که یک جنگ جدید با عربستان و برخی دیگر از دولت‌های عربی برپا شود. ادامه همین سیاست خارجی است که اکنون به درگیری‌های نظامی غیرمستقیم یا مستقیم موردی با اسرائیل کشیده است و این احتمال را نمی‌توان نادیده گرفت که تحت شرایط معینی می‌تواند به یک جنگ همه‌جانبه منجر گردد. بنابراین ماهیت ارتجاعی طرف دیگر این جنگ، جمهوری اسلامی نیز روشن است و جنگ فرضی آن با آمریکا و اسرائیل یک جنگ ارتجاعی است. از این رو چنانچه یک چنین جنگی برپا گردد، این جنگ در کلیت یک جنگ ارتجاعی و علیه منافع توده‌های مردم ایران است.

در یک چنین جنگ ارتجاعی، سیاست و تاکتیک‌های کمونیست‌ها و عموم انقلابیون روشن است. باید با صدای بلند به مردم ایران گفت: این جنگ، جنگ شما نیست. جنگ میان ارتجاع علیه شما است. این جنگ برخلاف منافع شماست. فریب طبقه ارتجاعی حاکم بر ایران را نخورید. برای نجات از عواقب جنگ احتمالی از هم‌اکنون با توجه به بحران عمیقی که رژیم گرفتار آن است، پیشاپیش برای سرنگونی آن اقدام کنید و منتظر نمانید که جنگ ویرانگر آغاز شود. اما چنانچه جنگی هم آغاز گردد فقط از شرکت در این جنگ خودداری کنید بلکه مبارزه برای سرنگونی رژیمی که این همه بدبختی را به بار آورده تشدید کنید. به قول لنین در جریان یک جنگ ارتجاعی، طبقه انقلابی نمی‌تواند خواستی جز شکست دولت خودی داشته باشد. در یک‌کلام، راه مقابله با جنگ، انقلاب است. تنها با انقلاب است که می‌توان به جنگ خاتمه داد. با انقلاب است که می‌توان از فجایع جمهوری اسلامی و فجایع جنگ نجات یافت. تجارب جامعه‌یار جنگ ۸ ساله را به خاطر آورید و تمام تلاش‌های ارتجاعی رژیم و همدستان آن را نقش بر آب کنید.

در دوران جنگ ۸ ساله دولت‌های ایران و عراق، به‌رغم این‌که سازمان ما در مقابل این جنگ ارتجاعی موضع گرفت و خطاب به مردم ایران گفت این جنگ شما نیست، جنگ دو دولت ارتجاعی عراق و جمهوری اسلامی است که به خاطر اهداف توسعه‌طلبانه و هژمنی‌طلبانه آن را برپا ساخته‌اند، بعد هم با یکدیگر سازش می‌کنند و فجایع و مصائب جنگ سهم شما خواهد بود، در آن شرکت نکنید و دولت خودی را سرنگون کنید. اما مردم در آن ایام از روی زودباوری و اعتماد ناآگاهانه به جمهوری اسلامی و تبلیغات ناسیونالیستی، دنبالرو رژیم و جنگ آن شدند. تنها وقتی متوجه واقعیت شدند که دیدند خمینی و رژیمش خیال توقف جنگ را ندارند و شعار فتح کریلا و قدس را سر می‌دهند. دیگر کار از کار گذشته بود. تمام فاجعه کشتار، ویرانی و آوارگی ناشی از جنگ، برای مردم باقی ماند و دو رژیم ارتجاعی نیز سرانجام باهم کنار آمدند و سازش کردند.

البته مردم ایران مقصر نبودند. تجربه و آگاهی لازم را نداشتند. اما در آن ایام بودند افراد و گروه‌هایی که برخی از آن‌ها پیش از جنگ، حتی مخالف جمهوری اسلامی بودند، با وقوع جنگ، جبهه عوض کردند، شوونیست تمام‌عیار شدند و مردم را زیر شعارهای انقلابی دفاع از میهن، جنگ دفاعی و غیره به زیر پرچم ارتجاع و جنگ تجاوزکارانه و ارتجاعی سوق دادند. درحالی‌که مارکسیسم و سوسیالیسم با ارتجاع در هر شکل آن دشمنی آشتی‌ناپذیر دارد و کمونیست‌ها همواره تأکید کرده‌اند که "ما حق نداریم از هر مبارزه طبقات ارتجاعی علیه امپریالیسم پشتیبانی کنیم. ما از مبارزه طبقات ارتجاعی علیه امپریالیسم حمایت نخواهیم کرد." (کاریکاتوری از مارکسیسم و درباره "اکنونیسم امپریالیستی"-لنین) برخی از این گروه‌ها فقط به اسم مبارزه ضد امپریالیستی از یک رژیم مذهبی ارتجاعی حمایت کردند و ارتجاع را انقلابی معرفی کردند، بلکه با دفاع از جنگ ارتجاعی در کشتار مردم و ویرانی کشور نقش ایفا نمودند. امروز اما درحالی‌که توده‌های مردم ایران از جنگ هشت‌ساله درس گرفته و به‌خوبی ماهیت ارتجاعی جمهوری اسلامی و سیاست‌های آن را می‌شناسند و از همین رو برای سرنگونی آن تلاش می‌کنند، باز هم می‌توان افراد و گروه‌هایی را یافت که از هم‌اکنون آشکار و پوشیده، زیرپوشش مبارزه با امپریالیسم و اسرائیل از جمهوری اسلامی و گروه‌های اسلامی ارتجاعی وابسته به آن حمایت می‌کنند و اگر جنگی هم در بگیرد همچون دوران جنگ ۸ ساله

در نقش پادو جمهوری اسلامی عمل خواهند کرد. البته تفاوت بزرگی میان امروز و آن سال‌ها وجود دارد. در آن ایام اغلب مردم با آن‌ها بودند و امروز علیه آن‌ها. این‌که در هر مقطعی به‌ویژه در مقاطع بحرانی حتی افراد و گروه‌هایی که خود را سوسیالیست می‌نامند به‌جانب بورژوازی و ارتجاع روی‌آورند، مختص ایران نیست. از قماش این سوسیالیست‌های قلبی که ماهیت واقعی‌شان را بر سر هر بحرانی نشان می‌دهند، مکرر در کشورهای دیگر جهان نیز دیده‌ایم. حتی کسانی بودند که رهبران جنبش‌های کارگری در مقیاس جهانی بودند و در حساس‌ترین لحظات به اردوی بورژوازی پیوستند. برجسته‌ترین نمونه آن‌هم در جنبش کارگری و کمونیستی جهان در جنگ جهانی اول رخ داد که بسیاری از این سوسیالیست‌ها به طبقه کارگر و انقلاب کارگری پشت کردند و از بورژوازی ارتجاعی و جنگ ارتجاعی دفاع کردند. لنین در همان سال‌ها در پاسخ به این‌که چگونه کائوتسکی رهبر انترناسیونال دوم و امثال او به لجن‌زار شوونیسم و ارتداد سقوط کردند نوشت:

"خواننده می‌پرسد چه شد که رهبر پیش‌تاز انترناسیونال دوم به یک چنین فلاکتی افتاد و چه شد شخصی که زمانی از نظرانی که در ابتدای مقاله شرح‌شان آمد دفاع می‌نمود به چنین منجلابی فرو غلتید، منجلابی که از هر ارتدادی بسی ننگین‌تر است؟ پاسخ ما به آنان این است: ...ورشکستگی سیاسی افراد در نقاط عطف تاریخی نادر نیست. کائوتسکی باوجود خدمات بزرگی که انجام داده است، هرگز در زمره کسانی نبوده که در بحران‌های بزرگ بی‌درنگ موضع مارکسیستی رزمنده‌ای اتخاذ کند..." (شوونیسم مرده و سوسیالیسم زنده)

اما این‌ها به زوددی نابود و محو می‌شوند و شدند. نمونه آن را در ایران نیز دیدیم که با چه رسوایی بزرگی روبه‌رو شدند که دیگر جرئت نمی‌کنند حتی سرشان را بلند کنند. تاریخ بشریت از هنگامی‌که جامعه به طبقات متخاصم تبدیل شد، جنگ‌های فراوانی به خود دیده است. جنگ‌های انقلابی و ارتجاعی، عادلانه و غیرعادلانه، تدافعی و تعرضی. جنگ‌هایی که گاه از نمونه جنگ‌های جهانی قدرت‌های امپریالیست، میلیون‌ها کشته برجای گذاشت. مادام که جامعه طبقاتی پابرجاست، این جنگ‌ها همچنان وجود خواهد داشت، تا روزی که با برپائی سوسیالیسم در مقیاس جهانی، نظام طبقاتی به گورستان تاریخ سپرده شود. وظیفه طبقه انقلابی عصر ما، طبقه کارگر جهان است که با برپائی انقلاب اجتماعی، نظم طبقاتی را براندازد، جامعه سوسیالیستی را مستقر سازد و به جنگ‌ها پایان بخشد.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید  
با یک اعتصاب عمومی سیاسی  
و قیام مسلحانه برانداخت**

## ادامه بحران خاورمیانه و لفاظی‌های جمهوری اسلامی

بهبانهای برای به شکست کشاندن طرح‌ها می‌تراشد.

در پی سفر آموس هوکشتاین نماینده دولت آمریکا به لبنان در روزهای گذشته، میقاتی نخست وزیر موقت لبنان پس از دیدار با نماینده دولت آمریکا خوشبینانه گفته بود: "فرستاده آمریکا به لبنان در گفت‌وگو با من پیشنهاداتی ارائه کرد تا بر اساس آن بتوانیم در روزهای آینده و حتما ساعات آینده، به توافق آتش‌بس در لبنان برسیم"، اما با گذشت چند روز و شکست مذاکرات، میقاتی ناامیدانه گفت: "دولت اسرائیل همه تلاش‌ها برای دستیابی به آتش‌بس را ناپود کرد".

نویسندگاری رئیس پارلمان لبنان و رهبر گروه شیعه "امل" که به نمایندگی از "حزب‌الله" در مذاکرات شرکت دارد، در گفتگو با "الشرق الاوسط" گفت: "دولت اسرائیل نقشه راه لبنان را که با آموس هوکشتاین فرستاده آمریکا به لبنان مورد توافق قرار گرفته بود رد کرد و تلاش‌ها برای حل بحران به بعد از انتخابات آمریکا در سه‌شنبه آینده موکول گردید".

شکست مذاکرات آتش‌بس در لبنان در حالی‌ست که بلینکن وزیر خارجه آمریکا از پیشرفت مذاکرات آتش‌بس و آمادگی دولت‌های اسرائیل و لبنان برای اجرای قطعنامه ۱۷۰۱ خبر داده بود. اما نتایجی شریک‌جیدی از جمله نظارت هوایی غیرمحموس اسرائیل در لبنان را مطرح کرد که معنایی جز به بن‌بست کشاندن مذاکرات در لحظه‌ی کنونی نداشت.

مذاکرات آتش‌بس در غزه نیز به همین شکل به بن‌بست رسید و پیشنهادات مختلف دولت‌های مصر و قطر حتماً به یک آتش‌بس موقت منجر نشد. پس از وقفه‌ای طولانی در مذاکرات آتش‌بس در غزه، بیل برنر رئیس سیا و دو تن از مشاوران جو بایدن با پیشنهاداتی جدید به اسرائیل و قطر سفر کردند. در مذاکراتی که بین رؤسای سازمان‌های موساد و سیا با وزیرخارجه قطر در دوحه در روزهای یکشنبه و دوشنبه گذشته صورت گرفت، طرفین پیشنهاد آتش‌بس چهار هفته‌ای به‌منظور افزایش کمک‌های انسانی به نوار غزه، آزادی ۸ گروگان اسرائیلی و ده‌ها زندانیان فلسطینی را مطرح کردند. عبدالفتاح سیسی رئیس‌جمهور مصر نیز آتش‌بس ۱۲ روزه به همراه آزادی ۴ گروگان اسرائیلی و تعدادی از زندانیان فلسطینی را پیشنهاد کرد. اما مقامات حماس با رد این پیشنهاد اعلام کردند که خواستار راه حلی هستند که به

پایان جنگ منجر گردد. ظاهر النونو از رهبران حماس به آژانس خبری فرانسه گفت: "حماس ایده آتش‌بس موقت در نوار غزه را رد می‌کند، اما از هر پیشنهادی که منجر به توقف دائمی جنگ گردد، حمایت می‌کند. ایده توقف موقت جنگ بیشتر نیز طرح شده بود و نظرم‌ان را در خصوص آن گفته بودیم. حماس به دنبال توقف کامل جنگ است نه موقت". سامی ابو زهری یکی دیگر از رهبران حماس نیز گفت: "حماس از هر گونه توافق یا ایده که به رنج ملت فلسطین پایان دهد و موجب آتش‌بس نهایی شود، استقبال می‌کند".

حماس که عملیات "طوفان الاقصی" را کلید زد و نتایج آن را امروز همگان شاهد آن هستند، اکنون خواستار پایان جنگ، خروج ارتش اسرائیل از غزه و بازگشت آوارگان به خانه‌هایشان است. اما دولت اسرائیل که "طوفان الاقصی" را بهانه‌ی تجاوز به سرزمین‌های فلسطینی و حمله به لبنان قرار داد، قصد دارد جنگ را تا رسیدن به اهداف اعلام شده ادامه دهد. در جریان مذاکرات اخیر نیز حماس در حالی بر پایان جنگ تاکید کرد که نتایج روز دوشنبه گفته بود تنها با توافقی موقت موافقت می‌کند. بنابراین دور جدید مذاکرات آتش‌بس نیز مانند گذشته با شکست روبرو شد و ادامه آن حداقل به پایان انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا موکول گردید.

در هفته جاری که مذاکرات از هر سو برای آتش‌بس در غزه و لبنان در جریان بود، ارتش فاشیستی اسرائیل به حملات خود در غزه و لبنان با شدت فراوان ادامه داد. بمباران جنوب بیروت، و شهرهای صور در جنوب لبنان و بعلبک در دره بقاع از جمله حملات هوایی این روزهای ارتش اسرائیل به لبنان بود که منجر به کشته شدن ده‌ها نفر گردید.

همچنین دور جدید حمله ارتش اسرائیل به شمال غزه بویژه اردوگاه فلسطینی جبلیا و بیت‌لاهییا منجر به کشته شدن ۱۲۰۰ فلسطینی از جمله زنان و کودکان و دیگر غیرنظامیان گردید. ارتش اسرائیل مدعی شد که در حملات اخیر به جبلا حدود ۹۰۰ "تروریست" کشته و ۷۰۰ تن بازداشت شده‌اند و صد البته مشخص است که در آمار ارتش فاشیستی اسرائیل کودکان و زنان فلسطینی نیز جزو تروریست‌های کشته شده هستند. ارتش اسرائیل هم‌زمان به حملات خود در کرانه باختری نیز ادامه می‌دهد. یکی دیگر از اقدامات دولت صهیونیستی

اسرائیل در روزهای اخیر ممنوع کردن فعالیت اونروا (UNRWA سازمان امداد و کمک‌رسانی به پناهندگان فلسطینی) در اسرائیل و شرق بیت‌المقدس است. پارلمان اسرائیل روز دوشنبه با ۹۲ رای موافق در برابر تنها ده رای مخالف، قانونی را تصویب کرد که براساس آن فعالیت‌های اونروا در قلمرو اسرائیل و ارتباط این سازمان با مقامات دولت اسرائیل ممنوع شده است. این قانون ۹۰ روز پس از تصویب اجرایی خواهد شد. با تصویب این قانون فعالیت اونروا در غزه و کرانه باختری به این دلیل ساده که تمام کمک‌ها از پست‌های بازرسی ارتش اسرائیل باید عبور کنند، عملاً غیرممکن شده و بدین‌ترتیب بر مشکلات غیرقابل‌تصور دو میلیون فلسطینی ساکن غزه به شدت افزوده می‌شود. کمک‌رسانی به مردم غزه تا حدود بسیار زیادی به فعالیت اونروا وابسته است، تنها در غزه اونروا ۳۰۰ مدرسه در مقطع ابتدایی را اداره می‌کند که امروز عموماً از آن‌ها به عنوان پناهگاه استفاده می‌شود. به‌گفته‌ی آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد هیچ جایگزینی برای اونروا در نوار غزه وجود ندارد. تصویب این قانون در حالی‌ست که پیش از این دولت آمریکا تا ۲ نوامبر به دولت اسرائیل فرصت داده بود تا میزان کمک‌های بشر دوستانه به غزه به میزان قابل‌قبولی افزایش یابد. هم اکنون روزانه تنها حدود ۳۵ کامیون امدادسانی به غزه وارد می‌شود که فقط ده درصد از حداقل کمک‌های انسانی مورد نیاز مردم غزه را پوشش می‌دهد.

مردم ستم‌دیده‌ی فلسطین (و لبنان) قربانی جدال دو دولت مذهبی و ارتجاعی اسرائیل و جمهوری اسلامی شده‌اند. آن‌ها مصیبت‌های جنگی را بر دوش می‌کشند که مال آن‌ها نیست، نه جنگ آزادی‌بخش مردم فلسطین است و نه انتخاب مردم فلسطین و لبنان. این جنگی‌ست برای تغییر چهره‌ی خاورمیانه. خاورمیانه‌ای که جمهوری اسلامی به‌عنوان یک دولت زورگو، هژمونی‌طلب و متجاوز با کمک نیروهای نظامی نیابتی خود دست به محاصره رقیب و دشمن منطقه‌ای خود دولت اسرائیل زده بود. اما اکنون و تحت‌تاثیر جنگ کنونی می‌رود تا دو بازوی مهم خود برای محاصره اسرائیل را از دست بدهد و به همین دلیل نقش و نفوذ منطقه‌ای خود را از دست داده و به شدت تضعیف می‌شود.

چدا از آن‌که تاکنون نیز جمهوری اسلامی ضربات جبران‌ناپذیری را در لبنان و فلسطین متحمل شده، بعد از حماس و بویژه حزب‌الله طبیعی‌ست که در سوریه، عراق و یمن نیز از نفوذ آن تحت‌تاثیر شکست‌اش در غزه و لبنان کاسته شود و دیگر رقبای

## ادامه بحران خاورمیانه و نفاذی‌های جمهوری اسلامی

منطقه‌ای از جمله دولت عربستان سعودی تلاش کنند تا نقش و نفوذ بیشتری در این کشورها به دست آورند.

دولت عربستان سعودی از هم اکنون به دنبال گسترش نقش و نفوذ خود در منطقه است. برگزاری اجلاس جده اولین اجلاس "ائتلاف بین‌المللی برای اجرای راه‌حل ۲ دولتی" در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه (۹ و ۱۰ آبان) یکی از این اقدامات است. دولت عربستان در جریان اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل این ایده را به نمایندگی از سوی تعدادی از دولت‌های عربی مطرح کرده بود که با استقبال برخی از دولت‌ها از جمله اتحادیه اروپا، اولین اجلاس آن در هفته گذشته با حضور حدود ۹۰ نماینده از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی از جمله دبیرکل اونروا، جوزف بورل نماینده اتحادیه اروپا و نمایندگانی از دولت‌های نروژ، ترکیه، اندونزی، نیجریه، اردن، بحرین، قطر و مصر در جده برگزار گردید (جمهوری اسلامی به این اجلاس دعوت نشده بود و دلیل آن نیز روشن است). وزیر خارجه عربستان در سخنان خود در این اجلاس از جمله بر تشکیل دولت فلسطینی به‌عنوان شرط دولت عربستان برای برقراری روابط دیپلماتیک با دولت اسرائیل تاکید کرد. قرار است در ادامه، جلسات این ائتلاف در بروکسل، قاهره، امان، استانبول و اسلو برای پیشبرد راه حل دو کشوری برگزار گردد.

همان‌طور که بارها در نشریه کار نوشتیم، "طوفان الاقصی" عملیاتی بود با هدف برهم زدن مذاکرات دولت‌های عربستان و اسرائیل تحت عنوان "پیمان ابراهیم". واقعیت این است که بسیاری از دولت‌های عربی منطقه از سیاست‌های توسعه‌طلبانه جمهوری اسلامی و مداخلات آن در امور داخلی منطقه و کشورشان به ستوه آمده و همین امر موجب نزدیکی این دولت‌ها با دولت اسرائیل شده است که از جمله برجسته‌ترین آن‌ها جنگ داخلی یمن و مداخلات جمهوری اسلامی در بحرین است. این سیاست جمهوری اسلامی بزرگترین کمک به دولت اسرائیل برای پیشبرد سیاستی بود که به "پیمان ابراهیم" معروف گردید. همچنین باید تاکید کرد که سیاست‌های جاه‌طلبانه اقتصادی دولت‌های منطقه و در راس آن عربستان چهره دیگری از خاورمیانه را می‌طلبد که سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی در تضاد با آن است.

نتیجه‌ی انتخابات آمریکا هر چه که باشد، در این واقعیت تغییری ایجاد نمی‌کند که دولت

اسرائیل از سیاست اعلام شده‌ی خود برای قطع دست‌های جمهوری اسلامی در فلسطین و لبنان، تضعیف جمهوری اسلامی و تقویت موقعیت منطقه‌ای خود از نظر سیاسی و اقتصادی دست برنخواهد داشت. نتیجه‌ی انتخابات آمریکا تنها می‌تواند تأثیری در نحوه‌ی پیشبرد سیاست دولت اسرائیل داشته باشد و نه در اصل این سیاست، به‌طور واقعی این سیاست همراستا با منافع امپریالیسم آمریکا نیز می‌باشد.

در این میان جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر در تنگنا قرار گرفته است. بعد از دو حمله موشکی به اسرائیل و دو پاسخ دولت اسرائیل به جمهوری اسلامی مشخص گردید که جمهوری اسلامی توان ادامه پینگ‌پنگ موشکی با اسرائیل را ندارد. با توجه به تهدیدات دولت آمریکا در مورد پاسخ قاطع به هرگونه حمله جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی‌اش به نیروهای آمریکایی، تقویت نیروهای نظامی خود در منطقه و این که این‌بار در صورت حمله به اسرائیل قادر به محدود کردن پاسخ دولت اسرائیل نخواهد بود، امکان استفاده از نیروهای نیابتی هم چون "مقاومت اسلامی عراق" (بخشی از حشدالشعبی) را نیز برای جمهوری اسلامی محدود کرده است. سخنان خامنه‌ای و تهدیدات مقامات نظامی همچون فرمانده سپاه برای "پاسخی سخت و غیرقابل تصور به اسرائیل" و یا سخنان خرازی در مورد تغییر دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی، بیش از آن که پشتوانه عملی داشته باشند، تهدیدات لفظی هستند که دلایل خاص خود را دارند.

اول این‌که جمهوری اسلامی و در رأس آن

خامنه‌ای هرگز قادر به اعتراف پذیرش شکست نیستند، آن‌ها باید همیشه ادعای پیروزی داشته باشند. همان‌طور که در مورد حمله دوم اسرائیل مدعی شدند، اما همه دنیا فهمیدند که جت‌های اسرائیل چه اهدافی را بدون هیچ‌گونه مزاحمتی از سوی پدافند هوایی جمهوری اسلامی بمباران کردند. در شرایط کنونی تهدید به حمله مجدد به اسرائیل (در کنار حملات ایذایی نیروهای نیابتی)، تنها اهرمیست که جمهوری اسلامی می‌تواند از آن برای چانه‌زنی و فشار برای برقراری آتش‌بس استفاده کند، چرا که هر قدر جنگ طول بکشد بازوان جمهوری اسلامی در لبنان و فلسطین بیشتر صدمه می‌بینند. جمهوری اسلامی در این تهدیدات حتا منافع مالی نیز دارد. گران شدن نفت در سایه تهدیدات جمهوری اسلامی و خطر گسترش جنگ، برای جمهوری اسلامی منفعت مالی دارد، حتا گران شدن دلار در داخل کشور نیز برای جیب‌های خالی جمهوری اسلامی مفید است. جدا از آن، در سایه اعلام "شرایط جنگی" تلاش می‌کند تا با بحران سیاسی فزاینده مقابله کند.

اگرچه با کمی دقت به موضوع در می‌یابیم که همه‌ی این سیاست‌ها از سر ناچاری و ناتوانی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی اگر توان آن را داشت به جنگ ادامه می‌داد، جمهوری اسلامی اگر توان آن را داشت با بحران اقتصادی و سیاسی مقابله می‌کرد، جمهوری اسلامی اگر توان آن را داشت موقعیت خود را در منطقه و داخل کشور تقویت می‌کرد. اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی در حال احتضار است، یک بیمار رو به مرگ، اما تا زمانی که کارگران و دیگر زحمتکشان جامعه برای سرنگونی این حکومت دست به کار نشوند، تا زمانی که به اعتصاب سیاسی سراسری و در ادامه به قیام مسلحانه دست نزنند، این حکومت در حال احتضار باقی می‌ماند.

**زنده باد استقلال طبقاتی کارگران**  
**برای کسب قدرت سیاسی و استقرار**  
**حکومت شورائی!**  
**کار - نان - آزادی - حکومت شورائی**

## بودجه نظامی، بودجه جنگ افروزیست!

برای طرفین هورا می‌کشند و برای آغاز یک جنگ گسترده لحظه شماری می‌کنند. در این میان رژیم صهیونیستی و تجاوزگر اسرائیل در راستای گسترش درگیریهای نظامی و ضربه به جمهوری اسلامی از طریق وارد کردن ضربات مرگبار بر نیروهای نیابتی آن، مترصد است برای نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در عراق، سرنوشتی مشابه حماس و حزب الله را رقم زند.

افزایش ۲۰۰ درصدی بودجه نظامی بر مدار نیت جنگ طلبانه و ادامه سیاستهای پان اسلامیستی و ارتجاعی در حالی صورت می‌گیرد که اکثریت مردم جامعه در فقر و نداری زندگی می‌کنند و تنگناها و فشارهای اقتصادی روزگار کارگران و زحمتکشان را سیاه کرده است. ارتجاع اسلامی در حالی بودجه نیروهای مسلح را برای گسترش درگیریهای نظامی و حتی جنگ احتمالی فراتر از درگیریهای نظامی تا کنونی افزایش می‌دهد، که کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های تبه‌دست جامعه با سیاستهای جنگ افروزانه حکومت و هرگونه جنگ احتمالی به شدت مخالفند و این مخالفت را نیز در شعارها و تجمعات اعتراضی خود به صراحت بیان کرده‌اند. یک نمونه آشکار آن شعاری است که بارنشینان تأمین اجتماعی کرمانشاه در تجمع روز یکشنبه ششم آبان سردانند. کارگران باز نشسته با صدای بلند اعلام کردند: "جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه!"

این شعار که از دل جامعه برخاسته است و دیروز در صفوف کارگران بازنشسته کرمانشاه شنیده شد، امروز در تجمعات بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش و اهواز طنین افکن شد و فردا در تجمعات اعتراضی سراسری پرستاران و گروه‌های اجتماعی دیگر تکرار خواهد شد، نشان می‌دهد که توده‌های مردم ایران از جنگ و سیاستهای پان اسلامیستی و جنگ افروزانه رژیم حاکم نفرت دارند. توده‌های مردم زحمتکش ایران خواهان کار، نان و آزادی‌اند، از فقر و ظلم و ستم و نابرابری به ستوه آمده‌اند، خواهان رفاه و برابری‌اند، خواهان پایان اضطراب و نگرانی و در دست گرفتن سرنوشت خویش‌اند.

نفرت از سیاستهای پان اسلامیستی و جنگ افروزانه اما هنوز به معنای از موضوعیت افتادن جنگ افروزی و خطر جنگ و پایان اضطراب و نگرانی نیست. تنها با به زیر کشیدن دولت جنگ طلب و دولت پان اسلامیستی و ارتجاعی جمهوری اسلامی است که خطر و سایه جنگ و جنگ افروزی و هزینه‌های هنگفتی را که صرف آن می‌شود می‌توان از سپهر جامعه پاک کرد. تنها با تشدید مبارزه و انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی است که می‌توان بر اضطراب‌ها و نگرانی‌ها و فضای جنگی نقطه پایان گذاشت، سرنوشت خویش را در دست گرفت، به کار و نان و آزادی و رفاه رسید و فقر و ظلم و ستم و نابرابری را از ریشه برانداخت.

## شروع دور جدید اعتراضات پرستاران

های پرستاران در حد افزایش دستمزد اضافه کاری، در صدد تحقیر و خاک پاشیدن بر چشم ده‌ها هزار پرستار و کادر درمانی برآمده است. وضعیتی که این روزها باعث برانگیختن خشم پرستاران و سرریز شدن کاسه صبر آنان در مقابل فریبکاری‌های دولت شده است. پرستاران زحمتکشی که در دوره شیوع کرونا، در صف اول مبارزه با این بیماری مرگبار قرار گرفتند و با گذشتن از جان خود و دادن صدها قربانی از زندگی و سلامت توده‌های مردم ایران و حتی از زندگی همین مقامات نالایق و مفت خور حکومتی دفاع کردند و اکنون خود با انبوهی از مشکلات مواجه‌اند و از داشتن حداقل‌های یک زندگی متعارف انسانی محرومند.

پرستارانی که سالهاست نسبت به شرایط کاری خود از جمله نوع قرارداد، دستمزدهای ناچیز، کمبود نیرو، ساعات طولانی کار، اضافه کاری اجباری و عدم اجرای صحیح قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری معترض‌اند و هر ساله با برپایی تجمعات اعتراضی خواهان رسیدگی به مطالبات برحق خود هستند. مطالباتی که تا به امروز برآورده نشده‌اند و آنان به مرور و در روند مبارزات اعتراضی خود، طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن را به خوبی شناخته‌اند و اکنون دریافته‌اند که بجز با سازماندهی اعتراض و اعتصابات سراسری قادر به تحمیل خواست‌هایشان به دولت نیستند.

لذا در پایان مهلت داده شده به کابینه پزشکیان و در پی بی‌توجهی وزارت بهداشت و عدم پاسخگویی دولت به مطالبات برحق و ضروری آنان، پرستاران، کادر درمانی و اورژانسی بیمارستان‌های مشهد با صدور بیانیه و دادن هشدارهای لازم به مسئولان حکومتی، فراخوان شروع یک اعتصاب سراسری را در روز پنجشنبه ۱۷ آبان داده‌اند. آنان در بیانیه‌ها و فراخوان داده شده از همه همکاران خود در سایر بیمارستان‌های کشور خواسته‌اند، حال که همه راهها برای تحقق مطالباتشان به روی آنان بسته است، لازم است تا جامعه پرستاری و کادر درمانی همه بیمارستان‌ها با عزمی استوار در این اعتصاب سراسری شرکت کنند. اعتصابی که پیش‌زمینه‌های آن از ۱۲ آبان با اعتراض پرستاران و کادر درمانی در بعضی از بیمارستان‌های ایران شروع شده است.

پی‌نوشت:  
\*در تقویم جهانی به پاس قدردانی از زحمات پرستاران، دوازدهم ماه می - زادروز تولد فلورانس نایتینگل - به عنوان روز بین‌المللی پرستار ثبت شده است. در تقویم جمهوری اسلامی اما اعلام روز پرستار مربوط به زادروز تولد زینب دختر علی - امام اول شیعیان است - است که با تفاوت روزشمار سال‌های قمری و خورشیدی، تاریخ ثابتی برای این روز وجود ندارد و هر ساله تغییر می‌کند. امسال روز پنجشنبه ۱۷ آبان، برای روز پرستار در ایران اعلام شده است.

## کمک‌های مالی

### سوئیس

علی‌اکبر صفایی فراهانی ۳۰ فرانک  
سیامک اسدیان (اسکندر) ۴۰ فرانک  
حمید اشرف ۳۰ فرانک  
محمد کاسه‌چی ۵۰ فرانک  
امیر نبوی ۵۰ فرانک

### دانمارک

هوشنگ احمدی ۲۰۰ کرون  
دکتر نریمینا ۲۰۰ کرون

### ایران

آبان ادامه دارد ۱ میلیون تومان

### آمریکا

مهسا ۲۵ دلار  
از سپاهک تا حکومت شورایی ۵۰ دلار  
رفیق توکل حکومت شورایی ۱۰۰ دلار

### هلند

داوود مدائن ۵۰ یورو

### آلمان

نه به جنگ، پیش به سوی انقلاب! ۱۰۰ یورو  
پیروز باد حکومت شورایی ۲۰ یورو  
افسانه ۵۰ یورو





## قطع عضو، قانونی بازمانده از دوران جاهلیت

خود را از تورات برگرفته است. برای مثال در یکی از آیات قرآن، سوره‌ی مائده در باب مجازات سرقت آمده است: "دست‌های مرد و زن را قطع کنید که مجازات مذکور کیفر اعمال آنان است" و در ادامه ادعا می‌شود که این مجازات از "روی حکمت خداوند و از جانب خداوند متعال" تعیین شده است در حالی که سابقه‌ی تاریخی آن نشان می‌دهد که مجازات‌های این‌چنینی قدمتی بیش از ادیان ابراهیمی از جمله اسلام داشته است. به جز قانون حمورابی و قوانین شرعی یهودیت، بسیاری از قوانین و سنت حاکم پیش از اسلام نیز در ساختار حقوقی اسلامی نقش داشت، همچون قوانین کیفری در مورد قتل و جراحت فرد که مشابه سنت‌های ادیان بادیه نشین است. اگر در ادیان دیگر، با تفسیرهای مختلف، دامنه اجرای قصاص متغیر می‌بود، اما در ساختار حقوقی اسلامی، به ویژه، سه دسته جرم ایجاد شدند که جرایم علیه خدا محسوب می‌شوند، از جمله سرقت و راهزنی. مجازات‌های مقرر برای این جرایم نیز تعدیل‌پذیر نیستند و مشمول "قصاص عضو" می‌شوند.

سبعیت دوران حاکمیت نظام طبقاتی در حفظ نظم اجتماعی موجود به بین‌النهرین و ادیان ابراهیمی محدود نمی‌شود. در نظام حقوقی روم باستان موسوم به "حقوق روم" نیز این پدیده به چشم می‌خورد. در "حقوق روم" که از ۴۳۹ پیش از میلاد و با قانون دوازده لوحه آغاز می‌شود و تا تدوین مجموعه قوانین ژوستینیان در ۵۲۹ به طول می‌انجامد، مجازات سرقت، بردگی، است. بدین معنا که سارق دستگیر شده مانند برده به فروش می‌رفت و بهای آن به مال‌باخته داده می‌شد. در روسیه کیفر سرقت، مرگ بود و در فرانسه، در قرن شانزدهم، شکنجه‌ی "چرخ مرگ" مجازات سارقان بود. در چین نیز قطع عضو از مجازات‌های معمول برای سرقت بود تا آن که در سال ۱۶۷ قبل از میلاد، این مجازات رسماً متوقف شد و شلاق و اعمال شاقه و زندان جایگزین آن گردید، هر چند شواهدی مبنی بر ادامه این مجازات همچنان تا سال ۱۹۱۱ یافت شده است.

گفته می‌شود، قصاص عضو در غرب، برای محدود کردن احکام اعدام بود. در اواخر سده یازدهم و اوایل سده دوازدهم، مسیحیت اروپایی با تمرکز پیش‌تر از قانون قصاص دوری گرفت. برای مثال در یکی از قوانین به جای مانده موسوم به "قانون سالیک فرانک‌ها" (حدود ۴۹۶ میلادی) برای جبران خسارت جرایمی مانند قتل، ضرب و جرح و سرقت، بایستی جریمه نقدی پرداخت می‌شد. هرچند، پس از

جنگ‌های صلیبی، دیدگاه مسیحیت غرب در این زمینه تغییر یافت و جرایمی مانند قتل، ایجاد حریق عمدی، تجاوز به عفت و سرقت، گناه و مستوجب توبه نزد کلیسا و همچنین جرمی علیه کل جامعه محسوب می‌شد که بایستی تحت پیگرد قرار می‌گرفت.

در سده هجدهم حقوق مدنی روم، متأثر از جنبش‌های فکری عصر روشنگری، دستخوش تحولاتی گشت. در این دوران، با رشد بورژوازی و توسعه تجارت و شهرنشینی، نیاز به تحول در حقوق پدید آمد. از اوایل قرن نوزدهم، دوره جدید حقوق رومی - ژرمنی شکل گرفت که مصادف بود با تصویب قانون مدنی فرانسه در سال ۱۸۰۴. امروزه در بسیاری از کشورهای غربی (به جز انگلستان و برخی کشورهای اروپای شرقی)، با تغییرات ملازم با وضعیت هر کشور، نظام حقوقی رومی - ژرمنی حاکم است که در آن‌ها علم حقوق بر پایه حقوق روم شکل گرفته است. تنها کشوری که فکر رفرم در آن راه نیافت، انگلستان بود که خشونت ویژه‌ای بر آن حاکم بود و تا پایان قرن هجدهم، ارتکاب نزدیک به ۳۰۰ جرم، مجازات اعدام داشت. لیکن در انگلستان، نیز در سده دوازدهم و در دوران پادشاهی هنری دوم، قوانین به سوی غیرمذهبی شدن، سوق داده شدند. امروزه در انگلستان، کشورهایمانند ایالات متحده و برخی کشورهای مستعمره سابق انگلیس یا کشورهای وابسته، نظام حقوقی موسوم به "کامن لاء" (Common Law) حاکم است. باری، با آغاز دوران رنسانس و عصر روشنگری، همپای رشد بورژوازی مترقی و تحت تأثیر افکار لیبرالی و آزادی‌خواهانه نوین، قوانین حقوقی نیز از زیر سیطره دین خارج شدند. در نتیجه، بسیاری از مجازات‌ها طی زمان تغییر کرده تا آن‌جا که امروزه، نه تنها قصاص عضو بلکه قصاص جانی، تحت عنوان اعدام، نیز از بسیاری از کشورها رخت بر بسته است.

اکنون مجازات‌هایی مانند قصاص، قصاص عضو، شلاق و شکنجه نزد افکار عمومی جهان، در زمره شنیع‌ترین و خشن‌ترین اشکال مجازات محسوب می‌شوند. در چنین دورانی، جمهوری اسلامی، هنوز وامانده در دوران جاهلیت و قوانین چند هزار سال پیش، بیش از چهل سال است که مجازات‌های شرعی مانند قصاص و قصاص عضو را وارد مجموعه قوانین جزایی کشور کرده و آن‌ها را با بی‌شرمی هر چه بیشتر به اجرا گذاشته و با افتخار به اجرای آن‌ها معترف است. هرچند، این وضعیت منحصر به ایران و جمهوری اسلامی نیست. در هر کشوری که بنیادگرایی اسلامی به قدرت رسیده یا در قدرت مانده است، وضع بر همین روال است. طالبان افغانستان نمونه دیگری است. داعش، این نیروی سیاه ارتجاع اسلامی، نیز در دوران قدرت‌گیری خود بسیاری از قوانین شرعی دوران جاهلیت پیش و پس از اسلام به اجرا درآورد.

همان‌گونه که گفته شد، هدف اصلی از برقراری این مجازات‌ها، از ابتدا نه "برقراری عدالت" و "دفاع از شهروندان"، بلکه دفاع از نظام طبقاتی حاکم، مالکیت خصوصی و نظم اجتماعی موجود بوده است. گذر زمان نیز نشان داده است، این گونه مجازات‌های وحشیانه، برخلاف ادعای جنایتکاران حاکم در نظام جمهوری اسلامی، نه تنها تأثیری در ارعاب و کاهش جرم ندارد، بلکه بدون نابودی ریشه‌های واقعی جرم، سیر صعودی ارتکاب جرایم گوناگون از جمله سرقت متوقف نمی‌شود. ارتکاب بسیاری از جرایم از جمله "سرقت"، تنها و تنها با ریشه‌کنی عامل اصلی، یعنی فقر میسر است. گرچه، در جمهوری اسلامی نه تنها گرایشی به این سو مشاهده نمی‌شود، بلکه تمامی سیاست‌های جمهوری اسلامی، در جهت خلاف آن، یعنی به گسترش فقر شتاب بخشیده است. بنابراین، تنها راهکار موجود در برابر توده‌های ایران، برای رهایی از تمامی پیامدهای مصیبت‌بار حاکمیت این نظام، براندازی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه‌داری حاکم از طریق یک انقلاب اجتماعی است.

### تصحیح و پوزش

در سرمقاله نشریه کار شماره ۱۰۹۳ با عنوان "بس است دیگر نق زدن های بی نتیجه" مبارزه در نفت، گامی به پیش صفحه اول، پاراگراف دوم، سطر اول و دوم " استقبال از فراخوان اعتراض انتشار یافته در ۲۸ آبان.. " آمده که درست آن ۲۸ مهر است.

## قطع عضو، قانونی بازمانده از دوران جاهلیت

روندی افزایشی داشته است.

"قصاص" و "قصاص عضو" از ابداعات جمهوری اسلامی و اسلام نیست. مدت‌ها پیش از ظهور اسلام، سابقه‌ی این گونه مجازات‌ها را می‌توان در "قانون حمورابی" یافت. لوح این قانون که در سال ۱۹۰۱ در شوش خوزستان یافت شد، بیش از ۳۷۰۰ سال قدمت دارد و در آن، به جز جریمه و غرامت، برای برخی جرایم، مجازات‌های سخت و گاهی مرگباری در نظر گرفته شده است. قانون حمورابی، خود، متأثر از قانون‌نامه‌ی سومری "لیپیت-ایشتار" یا "اورنامو" است که نزدیک به دویست سال قدیمی‌تر است. در قانون‌نامه "اورنامو"، مجازات‌ها، هنوز بیش‌تر، به شکل غرامت و جریمه بودند.

در آن دوران که جامعه طبقاتی در حال شکل‌گیری بود، طبقه حاکم برای تثبیت سلطه سیاسی خود و نظم اجتماعی مستقر نیاز به وضع قوانینی داشت تا امتیازات و منافع طبقه حاکم حفظ شود. در این دوران مجازات‌ها، دیگر جنبه‌ی انتقام‌جویانه دوران قبیله و قبیله‌نشینی خود را از دست داده بودند، و ارعاب و وحشت‌پراکنی در میان شهروندان و پیشگیری از تعرض به مالکیت خصوصی، هدف اصلی بود. در نتیجه، در روند نضج جامعه طبقاتی، به تدریج بر شدت مجازات‌ها افزوده شد. بسیاری از مجازات‌های

مالی پیشین، بدل به مجازات‌های سخت‌گیرانه‌تر و مرگبارتر شدند. برای نمونه طبق یکی از بندهای قانون حمورابی، "اگر کسی مرتکب سرقت و دستگیر شود، باید به مرگ محکوم شود." صیانت از مالکیت خصوصی در قانون حمورابی چنان اهمیتی داشت که نه تنها سرقت از اموال عموم و اموال شاه و معبد، بلکه سرقت از منزل آتش‌گرفته و راهزنی نیز مستوجب مجازات اعدام می‌بود.

مدت‌های مدید پس از دوران پادشاهی حمورابی، قوانین این کتیبه، از جمله قانون مقابله به مثل، یا همان "قصاص" همچنان پای برجای ماند و به کتب مقدس ادیان گوناگون نیز راه یافت. برای نمونه در قانون حمورابی آمده است: "اگر کسی چشم فرد دیگری را از بین ببرد، چشم او را نابود می‌کنند." در آموزه‌های عهد عتیق (تورات) نیز آمده است: "و چشم در برابر چشم و دندان به عوض دندان و دست به عوض دست و پا به عوض پا." هرچند در دوران‌های مختلف تفسیرهای گوناگونی از این قانون شده است، و اجرای آن فزونی و کاهش داشته است، اما ماهیت آن همچنان برپا مانده است.

این مجازات‌ها در ادیان ابراهیمی، از جمله یهودیت و مسیحیت و اسلام به حیات خود ادامه دادند. به ویژه اسلام که بسیاری از قوانین شرعی

در صفحه ۹

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)

No 1094 November 2024



[tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می کنند

### بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستا گرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

#### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورایی